

گذری بر چيستی و چرایی «حکمرانی علوم اجتماعی»



سید مرتضی امامی
استاد هادی حلقه حکمرانی علوم اجتماعی
مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

به مناسبت هفته پژوهش، هر روز پرونده ویژه حلقه حکمرانی علوم اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) را رویکرد سیاستی-آموزشی منتشر می‌شود.

نقطه آغاز در مفهوم «حکمرانی علوم اجتماعی»

برای تبیین دقیق حکمرانی علوم اجتماعی باید از منظر حکمرانی وارد شویم. در بحث از حکمرانی هم ترجیح این است که به جای آغاز بحث از حاکم و حکمران، از عناصر تحت‌المرکب حکومت شروع کنیم. هر فعلی که از ماسر می‌زند، در حقیقت در حال تبعیت از یک امری هستیم و این موضوع مورد مطالعه بسیاری از پژوهشگران در سرتاسر دنیا قرار گرفته است. تبعیت از پدر و مادر، آبا و اجداد، رئیس اداره و... خیلی ملموس و مرسوم بوده و سالیان درازی مورد توجه قرار گرفته است ولی با یک نگاه دقیق تر و عمیق تر به افعال انسانی متوجه می‌شویم که افعال بسیار متعددی دیگر نیز وجود دارد که انسان در آنها تحت تبعیت یک موجود، یک ویژگی یا یک اتفاقی عمل می‌کند ولی به آن تبعیت خودآگاه نیست. لذا هیچ فعلی از انسان نیست که تحت حاکمیت و ولایت یک موجود بیرونی اتفاق نیفتد.

فعل عالمان و پژوهشگران نیز مثل افعال سایر انسان‌ها تحت ولایت و حاکمیت یک موجود بیرونی قرار دارد. این برداشت صحیح نیست که احساس کنیم چون فرد عالم است، فعل او تحت ولایت دیگری قرار نخواهد گرفت. از سویی دیگر می‌دانیم که فعل عالمان هدایتگر جامعه است و چشم جامعه در اکثر مواقع به فعل عالمان دوخته شده است، بنابراین بررسی فعل عالمان و فهم اینکه این فعل تحت ولایت چه کسی و چه چیزی قرار گرفته بسیار مهم است.

وقتی با این مساله به ادبیات مغرب‌زمین مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم چه زیبا و جالب این دغدغه را پیگیری کرده‌اند، روابط لایبی موجود در فعل عالمان را شناسایی کرده و عمیقاً مطالعه کردند و متأسفانه عمیقاً مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند تا از این طریق عالی‌ترین سطح آزادی هر اجتماعی را زیر سلطه و یوغ خودشان ببرند. این امر در حوزه تمام علوم و پژوهش‌ها ساری و جاری است. این موضوع در سال‌های اخیر با یک سر و صدای نسبتاً زیادی در حوزه سیاستگذاری و حکمرانی علم مطرح شده است. البته متأسفانه این حوزه هم بیشتر به مقوله سیاستگذاری فناوری پرداخته و نسبت به علم کم‌توجهی کرده است.

چرایی «حکمرانی علوم اجتماعی»

اگرچه ظرفیت‌های خوبی در زمینه سیاستگذاری علم و فناوری در کشور شکل گرفته است ولی متأسفانه بسیاری از عزیزان از آن غفلت کرده‌اند و وقتی به ادبیات آنها مراجعه می‌کنید موارد ناچیزی از حوزه علوم اجتماعی پیدا می‌کنید. عمده مباحث ایشان بازاری کردن علم است که همان راهم با همان سبک و سیاق شدیداً در حوزه علوم اجتماعی وارد می‌کنند و اشاعه می‌دهند. بنابراین یک حوزه بسیار مهمی به نام سیاستگذاری و حکمرانی علوم اجتماعی بی‌صاحب‌روها مانده است. از سوی دیگر وقتی دغدغه‌های ولی جامعه اسلامی را مرور می‌کنیم، می‌بینیم یکی از مهم‌ترین مباحث و دغدغه‌ها و مطالبات ایشان تحول در علوم اجتماعی کشور است. مصائب حوزه تحول در علوم اجتماعی کشور بسیار است. فهم‌های غلط تحول بالا به پایین، صرفاً علمی انگاشتن این تحول و عدم توجه به مدیریت فضای محیطی، عدم توجه به ساختارها و فرایندها و رویه‌های اداری تعدادی از این مصائب هستند. اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم باید بگوییم دستگاه‌های متصدی حوزه تحول علوم انسانی و اجتماعی اگر این علوم را مصیبت‌زده نکرده باشند، گلی هم به سر آن نزده‌اند. البته می‌توانیم بحث‌های مفصلی در این زمینه انجام دهیم و با ارائه شواهد بی‌شمار، این خطر بزرگ را بیش از پیش به گوش مسئولان امر برسانیم.

بنابراین از یک طرف یکی از حوزه‌های اصلی مطالبات ولی جامعه‌ها شده و از طرف دیگر به لحاظ حوزه‌های علمی یکی از مهم‌ترین و البته پیچیده‌ترین حوزه‌های سیاستگذاری و حکمرانی در کشور بی‌صاحب مانده است. علاوه بر این دلیل، دلیل سوم که بسیار مهم است، جایگاه دانشگاه امام صادق (ع) به عنوان یکی از مجامع احیای علوم انسانی و اجتماعی پس از انقلاب است که به نوبه خود یکی از سردمداران اصلی تحول در علوم اجتماعی شمرده می‌شود. بنابراین این مساله باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. البته منظورمان این نیست که در این سیل مسائل و مشکلات، این مساله اولویت اول همه پژوهشگران باشد و همه باید هر مساله‌ای اعم از اقتصاد، حوزه دفاعی، سیاست خارجی و فضای مجازی و افکار عمومی و تعلیم و تربیت و... را رها کنند و به این مساله بپردازند، بلکه صحبت ما روی واژه کفایت است. یعنی یک عده‌ای حتماً باید باشند که این مساله را پیگیری کنند و در این سنگر عمل کنند. علت اصلی پیگیری این دغدغه در مرکز رشد نیز حضور معدودی در این سنگر بسیار بسیار مهم جامعه اسلامی و ایران بزرگ ماست.

چيستی «حکمرانی علوم اجتماعی»

موضوع «حکمرانی علوم اجتماعی»، فعل عالمان و دانش پژوهان و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی است. شیء مورد مطالعه ما این است که چه کسانی با چه ابزارهایی و براساس چه مکانیسم‌هایی افعال این عالمان، پژوهشگران و دانش پژوهان را در عرصه علم تحت ولایت خودشان درآورده و درمی‌آورند. به عبارت

دیگر و به معنای اعم کلمه، مساله ما هدایت عالمان و پژوهشگران در حوزه علوم اجتماعی است. البته فقط هدایت نیست بلکه ما در مباحث حکمرانی، مفهوم ولایت را به کار می‌بریم و این مفهوم طیفی از اعمال حاکمیت و دستورات و فرامین مستقیم تا حکمرانی و اجبار نرم را شامل می‌شود. ابزارهای بسیار متنوعی برای این ولایت وجود دارد که گاهی آگاهانه است و متأسفانه در بسیاری از موارد افعال عالمان را به طور ناآگاهانه به سمت وسوی خاصی سوق می‌دهند. همانطور که در چرایی حکمرانی علوم اجتماعی اشاره شد، این موضوع رتبه بالایی دارد ولی این رتبه بالا به معنای توقف بر آن نیست. این موضوع را قدری روشن تر بیان می‌کنم. امروزه ما با مسائل فراوان اقتصادی در کشور مواجه هستیم. ظرفیت فکری اقتصادی کشور ما هم همین است که می‌بینیم. اینکه چقدر غربی است، چقدر دقیق و عالمانه است، چقدر دیدگاه‌های اسلامی را توانسته در خودش متبلور کند، اینکه چقدر توانسته همراه انقلاب و آرمان‌های آن باشد قابل مشاهده است. واقعیت همین است. البته تلاش‌ها و زحمات و خون دل‌های بسیاری بر سر همین هم خورده شده است. حال باید عالمان، کارشناسان و دانش پژوهان در حوزه اقتصاد با این مسائل درگیر بشوند و در پی حل مسائل اقتصاد کشور بروند. حال شما این وضعیت را در حوزه‌ها و مسائل دیگر نیز ضرب کنید. باید عالمان و پژوهشگرانی پای مسائل اداری کشور ببینند، باید عالمانی پای مسائل تربیتی کشور باشند، باید عالمانی پای مسائل فضای مجازی کشور ببینند، پای مسائل سیاسی کشور، مسائل فرهنگی کشور و... ببینند. حال یک حوزه‌رشته‌ای هم هست که موضوع مطالعه‌اش این است که چه کنیم عالمان نسل بعدی بهتری داشته باشند؟ چه کنیم پژوهش‌ها بهتر بشود؟ چه کنیم وضعیت عالمان بهبود پیدا کند؟ از طریق بهبود و کارآمدی وضعیت پژوهش و پژوهشگران و دانش پژوهان قاعدتاً زندگی ما، اقتصاد ما، فرهنگ ما و آموزش ما نیز بهبود پیدا خواهد کرد. جایگاه حکمرانی علوم اجتماعی از اینجا مشخص می‌شود. اگر بتوانیم حکمرانی مطلوبی در عرصه علوم اجتماعی داشته باشیم با یک ضربه بالایی خواهیم توانست وضعیت جامعه را بهبود دهیم. البته همه اینها باید به فضل الهی باشد و کار ما هم خطیری می‌کند. باید بتوانیم عالمانه این مسیر را طی کنیم و از بلیه‌هایی که فعلاً و دلسوزان حوزه تحول علوم انسانی و اسلامی سازی علوم و... مبتلا شده‌اند آگاه باشیم.

تقابل جبهه حق و باطل در «حکمرانی علوم اجتماعی»

حکمرانی علوم اجتماعی مسلمان‌دینک جنگ و در یک عرصه نبرد قابل طرح است. اگر فضا را قدری باز کنیم و مسائل را واقع‌بینانه مورد کنکاش قرار دهیم، روشن است درجه تسلط و تحت سلطه بودن دانش، پژوهش و اندیشه ما در حوزه علوم اجتماعی ذیل غرب قابل توجه است. اولاً وقتی رصد می‌کنیم، متوجه می‌شویم این تحت سلطه بودن بسیار قابل توجه است، ثانیاً علم و آگاهی به این تحت

سلطه بودن بسیار کم است، یعنی گاهی اوقات آن کسانی که فکر می‌کنند با مثلاً غربی سازی معرفت مقابله می‌کنند یا دست به برخی افعال به ظاهر اسلامی می‌زنند (که در کشور ما کم نیست و یک جایی دیگر باید به طور مفصل بررسی شود) خودشان به طور گسترده افعالی را انجام می‌دهند که مجموعه تحت مسئولیت‌شان و جریان علم و دانش و پژوهش کشور را در حوزه علوم اجتماعی شدیداً تحت ولایت غرب می‌برند.

اینها نشان می‌دهد ما در زمینه تقابل جبهه حق و باطل در حکمرانی علوم اجتماعی، بسیار بسیار غافل هستیم. این موضوع بسیار پنهان است و به این آسانی نمی‌توان آن را نشان داد. اگر برخی پژوهش‌ها که بسیار عیان به این موضوع پرداخته‌اند نبودند، شاید ما هم جرات نمی‌کردیم اینقدر ساده بگوییم که سلطه روشن است. البته اینها هیچ کدام مبنای ناامیدی و سکون نیست بلکه نشانه‌های از خطری بودن این عرصه نبرد است. باید فکر کنیم چگونه با این صحنه مواجه بشویم، چگونه باید غفلت را زدود، چگونه می‌شود تک‌های شدید دشمن را در این زمینه به عبارتی شناسخت و پاتک آن را طراحی کرد، چگونه می‌شود به طور فعالانه در این زمین حرکت کرد. اینها سوالات بسیار بسیار مهمی هستند و آسان هم نیستند. به عنوان مثال خیلی‌ها جنگ در عرصه اقتصادی را نمی‌بینند و فهم جنگ اقتصادی ندارند و فکر می‌کنند جنگ فقط عینی است و در امثال دفاع مقدس خلاصه می‌شود. کسانی که جنگ اقتصادی را درک نمی‌کنند، به مراتب جنگ در این حوزه را اصلاً و ابداً درک نخواهند کرد، تیرهای این جنگ را نمی‌بینند، شمشیرهای این جنگ نامرئی است. شاید بهتر است بگوییم اصابت و شمشیری در کار نیست. بسی اوقات در این عرصه تبعیت کننده التماس می‌کند که تبعیت کند. التماس و التواء می‌کنند که اجازه بدهید بنده در همان مسیری که اوامر جنابعالی است، حرکت کنم. این فضا بسیار پیچیده و سنگین است. اگر بتوانیم این نقطه جنگ و تقابل را نشان دهیم بسیار مثرتر خواهد بود و به فضل خدا اتفاقات بزرگی خواهد افتاد.

اولین کار بعد از شناسخت حوزه نبرد، شناسایی همراهان است؛ همراهان با هر درجه‌ای از یک درصد تا صد درصد قابل شناسایی هستند. کسی که وارد جبهه جنگ می‌شود اولین اشتباه او این است که فکر کند به تنهایی می‌تواند در این نبرد کاری به پیش ببرد. باید با سنگرهای هم جبهه خودش ارتباط بگیرد. البته این اتفاق باید گام به گام بیفتد و از روی علم و بینش درست از فعالان این عرصه باشد. این عرصه جای شعار نیست و باید همراهان را به خوبی شناسایی کرد. در نهایت باید متذکر شد عرصه و زمین حکمرانی علوم اجتماعی عرصه کشوری نیست بلکه اگر به درستی شناسایی و طراحی شود می‌تواند حرکت‌های جهانی در عالمان و پژوهشگران ایجاد کند. از این طریق می‌توان آرمان‌های انقلاب اسلامی را به لایه‌های زیرین عالمان جهان اشاعه داد.



یادداشت

نادر امینی پارسا
وکیل پایه یک دادگستری

قانونگذاری را شاید بتوان برآیندی از هنر و درایت در کنار تخصص برشمرد که این کار همان طور که باید هنرمندانه انجام شود نیاز به درایت هم دارد و آنچه قانونگذار بر سطور روزنامه رسمی می‌نگارد خط مشی قوای دیگر و آحاد جامعه است، لذا قانونگذاری مستلزم هنری است فراتر از عادت وضع قانون که جلوگیری از هرج و مرج و تشتت آراست. لذا نباید وضع قوانین به گونه‌ای صورت پذیرد که خود باعث آشفتگی شود و به اصطلاح مصداق مثل مشهور «هر چه بگندد، نمکش می‌زند وای به روزی که بگندد نمک» شود. اخیراً در مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای تحت عنوان قانون فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه سلامت در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۳ تصویب شده که طی آن مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۳۰ و قانون مدنی نسخ شده است، اگرچه با بررسی

هنر قانون نویسی

کند و قانونی که باید فصل الخطاب باشد منشأ اختلاف شود. حالیه اقدام مجلس شورای اسلامی مبنی بر تصویب ماده واحده فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه سلامت مصوب ۱۳۹۹ آذر ۸ سبب شده که این تصور ایجاد شود که به جای در خروج از نظام خانواده توسط بانوان در شرایط عصر و حرج که با قفلی بزرگ بسته شده و باز کردن آن مستلزم گذشت زمانی طولانی بود، دیوار بتنی ساخته‌اند و قطعاً این نگرش نتهنایی می‌تواند برای هر زن از ازدواج راهی بی‌بازگشت ترسیم کرده و اشتیاق جوانان به ازدواج را کمتر و سخت‌گیری‌ها را بیشتر کند، بلکه کل بنیان قواعد فقهی من جمله قاعده عسر و حرج که یکی از مبانی فقهی و منبعث از حدیث رفع است را نادیده بگیرد. بنابراین درایت قانونگذار در وضع قوانین صریح و ابهام‌زدا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و وضع قوانین دست و پاگیر و مبهم امری مذموم و به دور از شأن قانونگذاری.

دقیق‌تر موضوع مشخص می‌شود که منظور ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۲۱ است که قیلا طی ماده ۱۱۳۰ مصوب ۱۳۷۰ و تبصره مصوب ۱۳۸۱ آن، که موارد عسر و حرج را بیان می‌کند اصلاح شده و مواد ۱۱۳۰ و تبصره ذیل آن به قوت خود باقی است. لکن این اقدام مجلس شورای اسلامی ابهاماتی را نزد حقوقدانان و بالاصح قضات وکلای دادگستری به وجود آورده، من جمله این سوال که آیا ماده ۱۱۲۲ و ۱۱۳۰ قانون مدنی همچنان به قوت خود باقی است یا خیر؟ از آثار این مصوبه همین بس که اخیراً شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی